

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

شنبه ۱۸ دسامبر ۲۰۲۱

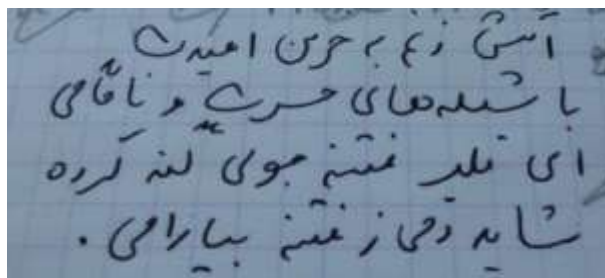
فریده نوری

رجعت به یادداشت های پراکنده

قسمت دوم



ای درد تو یار جانی من      اندوه تو شادمانی من  
پیرایه داغ توست چون شمع      سرمایه زندگانی من



از لابلای یادداشت های مرجان

## قسمت دوم

### ضرب المثل ها

گردآورنده: مرجان کمال

### حرف ب

- باد آورده را، باد میبرد .
- بار کج به منزل نمی‌رسد .
- با دست پس می‌زند، با پا پیش می‌کشد. (پیش نیا که خوشتر ندارم دور نرو که گرگت میخورد)
- با زین به آسمان نمی‌شود رفت.
- با یک گل بهار نمی‌شود.
- با یک تیر دو نشان زدن.
- با یک پی‌نماز در مسجد را نمی‌بندند.
- با زبان خوش، مار از سوراخ بیرون می‌شود.
- باز همو خرك ، و همو درك .
- بادنجان بد آفت ندارد.
- با همه چیز بازی، با ریش بابا نیز بازی.
- برای اصلاح شدن، هیچ وقت دیر نیست.
- بزرگی به سر است نه به سال.
- بچهٔ یتیم نه بزن، نه بکن، نانت را زیر بغل بزن.
- به خوردن تیار است، به کار کردن بیمار.
- بخور و بخواب کار من است، خداوند نگهدار من است.
- به خانهٔ خود آش بریده نمی‌تواند ، در خانهٔ دیگران سیمیان می‌برد .
- برای کسی بمیر که برای تو تب کند.
- برادران جنگ کنند، ابلهان باور کنند.
- برادر با برادر ، حسابش برابر.

- برگ سبز، تحفه درویش.
- به خانه دشمن می روم که در آن جا دوستی گرو دارم.
- به شتر مرغ گفتند بار ببر، گفت: مرغم، گفتند: پیر، گفت: شترم.
- به اشتهای مردم نمی شود نان خورد.
- به دعای گریه باران نمی بارد.
- به روباه گفتند شاهدت کیست؟ گفت: دمم.
- به دریا می روم، دریا خشک می شود. (کم طالع بودن)
- به مالت نناز که به یک شب بند است، به حسنت نناز که به یک تب بند است.
- به مرگ می گیرد که به تب راضی شود.
- بهترین استاد تمرین نمودن است.
- به دست دادن و به پا دویدن. (سرگردانی برای دریافت حقایق)
- به هر ساز رقصیدن. (از خود فکر نداشتن)
- بز از پای خود آویزان است، گوسفند از پای خود.
- بز را بسته نبین ، باز کن رقص را ببین .
- بز مرده ، شاخ زرین . ( به مرده ها افتخار کردن)

در حیرتم از مرام این مردم پست  
این طایفه زنده کش، مرده پرست  
تا هست به ذلت بکشندش به جفا  
تا رفت به عزت ببرندش سر دست

- بخاطر خانه سفید مردم، خانه سیاه خود را از دست مده .
- به حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی شود.
- به خانه که عروس و خوشو یک جاست، کار ناتمام است.
- به دریا بروم، دریا به رویم خشک میشود .
- به دریا رسیدی انصاف کن .
- به در می گویم، ای دیوار تو بشنو .
- به دیگ بی سرپوش، هرکس دست می زند

- به سر فلانی سیر میکارد ، پیاز درو میکند .
- به شهر بی دروازه ، هرکسی خود را می اندازد.
- به گپ فلان کس ماست هم مایه نمی کنند.
- به گوش خر یاسین خواندن.
- به نام یکی، به کام دیگری.
- بی بی، از بی چادری در خانه می ماند.
- به باغ خود گرفتن، به تاک خود بستن. (مجازات بر اساس واقعیت و شهود باید صورت بگیرد)
- با یک گل بهار نمی شود.
- به بیابان خواب نشوید، تا خواب پریشان نبینید. (کاری انجام مده که سبب پریشانی ات شود)
- به سیلی روی خود را سرخ کردن.
- با گرگ دنبه خوردن و با میش نوحه کردن. (سازگاری منفی و پنهانی)
- به حلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمی شود.
- بر مرده لگد زدن. ( بر ضعیف و ناتوان تاختن)
- به قریه جا ندارد، می گوید اسپم را در خانه ملک ببندید.
- به لق لق سگ دریا مردار نمی شود.
- بزک بزک نمیر که جو لغمان می رسد. ( به امید واهی زندگانی کردن)
- به بچه تان یکی ندهید که دو طلب نکند.
- برای ساختن ریسمان یک مو هم غنیمت است.
- باجه که باجه را دید خرس کله و پاچه را دید.
- با ما نشینی ما شوی، با دیگ نشینی سیاه شوی. (تأثیر همنشین بر انسان)
- بترس از گرفتن کور و از زدن کر.
- با پنبه هلاکش می کند.
- بانگ بی محل دادن. ( حرف زدن بی موقع)
- به آدم حریص اگر دنیا را هم بدهی، سیر نمی شود. (حرص از حد زیاد داشتن)

- به گل قالین نشستن. (شکست خوردن و به مشکل مواجه شدن)
- به در می گویم ای دیوار تو بشنو.
- به هر کجا که روی آسمان همین رنگ است.
- بهشت زیر پای مادران است.
- به سرکه فروش گفتند: سرکه هفت ساله داری؟ گفت: دارم اما نمی دهم، پرسیدند چرا؟ گفت: اگر می دادم هفت ساله نمی شد.

درویش و غنی بنده این خاک و درند

آنان که غنی ترند، محتاج ترند

سعدی